

اکثریت بهره‌ها به شاخه داوودی از دعوت مستعلوی - طیبی اسماعیلیه تعلق دارند (همو، 210؛ برای چگونگی پیدایش این شاخه‌ها، نک: ه. د. اسماعیلیه).

دعوت اسماعیلیه از نیمه قرن ۹/ق ۹م در شبه قاره هند ریشه پیدا کرد و سپس تا حدودی گسترش یافت، اما در دوره خلافت و امامت المستنصر بالله، جماعت جدیدی از اسماعیلیه در گجرات، توسط داعیانی که از یم بدانجا گسیل می‌شدند، پایه‌گذاری گردید. به موجب روایات سنتی که درباره پیدایش این گروه اسماعیلی در دست است، در ۴۶۰/ق ۱۰۶۸م داعی عربی به نام عبدالله از سوی لمک بن مالک از صلیحیون یم به خامبایت (کمبی^۲ کنونی) فرستاده شد و در آن منطقه، یعنی گجرات، در اندک مدتی جمعیت بزرگی از هندوها و بعضی از حکمرانان محلی را به کیش اسماعیلی درآورد (دفتری، 299؛ مجدوع، ۱۱۸، ۲۰۱؛ همدانی، ۷۹، ۲۲۴-۲۲۶). عبدالله و جانشینانش دعوت اسماعیلی را در میان هندوهای گجرات، از پایگاه اصلی خود در خامبایت تبلیغ می‌کردند (نیز نک: اسماعیل جی، ۵۳-۶۰) و دعوت آنان با نظارت سلاطین صلیحی یم - که تابع فاطمیان بودند - اشاعه یافت. صلیحیون با تأیید المستنصر بالله فاطمی بر انتخاب و فرستادن داعیان به گجرات نظارت نزدیک و مستقیم داشتند. در این میان، ملکه صلیحی موسوم به سیده اروی^۱ که پس از فوت همسرش، احمد مُکرم (برهانپوری، ۲۶؛ حامدی، ۱۷-۱۳، ۲۷-۲۸؛ دفتری، 210، 209؛ السجلات، ۲۰، جم) به حکومت دولت صلیحی در یم رسیده بود، از طرف خلیفه فاطمی مصر المستنصر بالله رسماً مسئولیت امور دعوت در گجرات را نیز یافت (همان، ۱۶۵-۱۷۳).

سلسله صلیحیون یم نقش مهمی در احیای مجدد و گسترش دعوت اسماعیلی در غرب هندوستان ایفا کردند. ملکه اروی^۱ که از دعوت مستعلوی جانبداری کرده بود، پس از قتل الامر باحکام الله، به حقانیت امامت فرزند او طیب قائل گشت و روابط خود و یم صلیحی را با قاهره و دعوت مستعلوی - حافظی، قطع کرد (نک: ه. د. ۶۹۷/۶۹۶). اندکی پس از ۵۲۴/ق ۱۱۳۰م بود که با کوششهای ملکه اروی^۱، دعوت مستقل طیبیه در یم پایه‌گذاری گردید (دفتری، 285-286). در حدود سال ۵۲۶/ق، ملکه اروی^۱، ذؤیب بن موسی الوادعی را با اختیارات کامل و به عنوان داعی مطلق، به رهبری دعوت طیبی گمارد و امور دعوت را به نام امام غایب، طیب، به او سپرد. ملکه سیده اروی^۱ تا زمان مرگش در ۵۳۲/ق ۱۱۳۸م از هیچ کوششی برای استحکام دعوت طیبی فروگذار نکرد. پس از فوت وی و انقراض دولت صلیحی، دعوت طیبی با عنوان «الدعوة الطیبیه» به رهبری داعی ذؤیب ادامه یافت و یم تا چند قرن پایگاه اصلی دعوت طیبی بود؛ جانشینان ذؤیب عنوان داعی مطلق را همچنان تاکنون حفظ کرده‌اند (همانجا؛ برهانپوری، ۶۹). دعوت اسماعیلی در گجرات ارتباط نزدیک خود را با مرکز دعوت

تاخت و او را در بند کرده، به تبریز فرستاد (اسکندریک، ۷۸۳-۷۸۴). در ۱۰۲۵ق هنگامی که شاه عباس در گرجستان بود، فرزندان غازی‌بیک کردشوریدند و به قلعه قارنیارق دست یافتند و با دست‌درازی به نواحی سلماس، موجبات ناامنی را در این نواحی فراهم آوردند. بهروزخان به همراه پیربوداق خان حاکم تبریز برای دفع این فتنه از تبریز بیرون آمدند. در جنگی که نزدیک سلماس درگرفت، حاکم تبریز کشته شد و بهروزخان به محاصره کردان درآمد. اما با شنیدن خبر بازگشت شاه عباس از گرجستان به جانب آذربایجان، کردان عقب‌نشینی کردند و بهروزخان هم در تبریز به حضور شاه عباس رسید و خلعت یافت (همو، ۹۰۲-۹۰۱).

تاریخ درگذشت بهروزخان دوم به درستی دانسته نیست. منابع مختلف تاریخ مرگ وی را از ۱۰۱۴ تا ۱۰۴۵ق یاد کرده‌اند. منابعی که اساس آنها ریاض الجنته تألیف عبدالرزاق دنبلی بوده است، بر تاریخ ۱۰۱۴ق تأکید دارند؛ ولی این تاریخ نادرست می‌نماید، زیرا پسر و جانشین وی علی خان، لقب صفی‌قلی داشته، و از این رو، احتمالاً بیشتر دوران امارت علی خان مقارن با سلطنت شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲/ق) سال چهل و دوم سلطنت شاه عباس اول (۱۰۳۸ق)، از بهروزخان به عنوان حاکم منطقه چورس و سلماس یاد می‌کند (ص ۱۰۸۶)؛ بنابراین مرگ وی احتمالاً در سالهای نخستین سلطنت شاه صفی اتفاق افتاده است.

مآخذ: اسکندریک منشی، عالم آرای عباسی، تهران، ۱۳۵۰ش؛ تاریخ دودمان دنبلی، نسخه خطی موجود در کتابخانه مرکز، شه ۳۲۱۰؛ جواهر کلام، عبدالعزیز، آثار الشیعة الامامیه، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، ۱۳۰۷ش؛ ریاحی، محمدامین، تاریخ خوری، تهران، ۱۳۷۲ش.

بهره، جماعتی از مسلمانان شبه قاره هند. بهره‌ها که عمدتاً اصل و نسب هندو دارند، از دو گروه شیعی (اکثریت) و سنی (اقلیت) تشکیل شده‌اند. بهره‌های شیعی همگی اسماعیلی مذهب‌اند و بیشتر آنان به طبقه بازرگانان وابسته‌اند. سنی مذهب‌اند - که سهم کوچکی از جمعیت بهره‌ها را دارند - بیشتر روستایی هستند و به فعالیت‌های کشاورزی اشتغال دارند. بهره‌ها که جمعیت آنان در ۱۳۸۲ش/۲۰۰۳م بالغ بر ۱۲۰۰۰۰ تن بوده است («مسلمانان...»^۱)، در کشورهای هند و پاکستان، و شمار کمتری نیز در کشورهای شرق افریقا ساکنند (دفتری، 210، 23، 3). نام بهره^۲ (بهره) را مشتق از واژه گجراتی «وهروو»^۳ (ویوهار) به معنای «تجارت» یا «داد و ستد کردن» دانسته‌اند. از این رو، جماعت اسماعیلیان گجرات را بهره نامیدند، زیرا آنان در اصل متعلق به یک جامعه تجارت پیشه بودند. برخی دیگر بر آن‌اند که اسماعیلیان گجرات را از این رو به این نام خواندند که آنان پیش از پذیرفتن کیش اسماعیلی، به «وهره»^۴ که یکی از طبقات جامعه هندوهاست، تعلق داشتند (همو، 299).

۸۴۶ق/۱۴۱۱-۱۴۴۲م) - که پایتخت جدیدی در احمدآباد بنا کرد - شدت یافت. در همین زمان بود که گروهی از بهره‌های اسماعیلی به مذهب اهل سنت گرویدند و در همان حال، بر اثر مشاجره بین والی طیبی و مردی از بهره‌ها به نام جعفر، انشعاب مهمی در بهره‌های اسماعیلی پدید آمد و عده بیشتری از آنان به مذهب اهل سنت درآمدند و به نام بهره‌های جعفری شهرت یافتند (همو، 307، 302، 301). از آن زمان، بهره‌های اسماعیلی و بهره‌های سنی مذهب از یکدیگر متمایز شدند (همانجا).

از زمان پنجمین داعی مطلق طیبی، علی بن محمد بن ولید (د ۱۲۱۵ق/۱۲۱۵م)، حدود ۳ قرن، یعنی تا ۹۴۶ق/۱۵۳۹م، منصب داعی مطلق اسماعیلیان طیبی یمن و هند در دست بنو الولید الاتف که از قریشیان بودند، قرار داشت. طی این دوره، بهره‌های طیبی برای دیدار داعی مطلق خود و کسب آموزشهای مذهبی به یمن سفر می‌کردند (همو، 302، 289-282). در ۹۴۶ق، منصب داعی مطلق اولین بار به یک بهره موسوم به یوسف بن سلیمان رسید (نک: همو، 291) و با مرگ وی در ۹۷۴ق/۱۵۶۶م، جانشین او، بیست و پنجمین داعی مطلق - که بهره دیگری به نام جلال بن حسن بود - پایگاه دعوت طیبی را از یمن به احمدآباد در گجرات منتقل کرد. تا آن زمان جمعیت بهره‌های طیبی در هند، به رغم آزارها، به میزان قابل توجهی از شمار همکیشانان در یمن، فرونی یافته بود. در همان حال حکومت عثمانی که از ۹۲۳ق/۱۵۱۷م سلطه خود را به جنوب عربستان بسط داده بودند، طیبیهای یمن را سخت آزار می‌دادند و زیدیان یمن نیز - که همواره با اسماعیلیه آنجا مخاصمت داشتند - می‌کوشیدند تا بنوالوید را از میان بردارند، در حالی که اسماعیلیان هند اکنون با اغماض دینی امپراتور مغول مواجه بودند. از این رو مرکز دعوت طیبی به گجرات منتقل گشت و این به منزله پایان مرحله دعوت طیبی در یمن و یکپارچگی آنان بود (همو، 303).

جلال بن حسن، بیست و پنجمین داعی مطلق در ۹۷۵ق/۱۵۶۷م، اندکی بعد وفات یافت و داوود بن عجب شاه جانشین وی گشت. در زمان داوود (۹۷۵-۹۹۷ق)، اکبر شاه گجرات را ضمیمه امپراتوری خود کرد. داوود بن عجب شاه جماعت بهره‌ها و تشکیلات دعوت آنها را سامان جدیدی داد و آداب و رسوم مذهبی بهره‌های طیبی را که به علت آزار حکمرانان گجرات مدت‌های طولانی رها شده بود، بار دیگر رواج بخشید. با مرگ داوود بن عجب شاه، طیبیها بر سر جانشینی او اختلاف پیدا کردند و به دو شاخه داوودی و سلیمانی منقسم شدند (همو، 304). بیشتر بهره‌های طیبی هند، داوود برهان‌الدین بن قطب شاه (د ۱۰۲۱ق/۱۶۱۲م) را به عنوان بیست و هفتمین داعی مطلق خود شناختند و از آن پس به داوودی شهرت یافتند. گروه کوچکی از اسماعیلیان طیبی در یمن از داوود پشتیبانی کردند. از طرف دیگر، اقلیتی متشکل از گروه کوچکی از بهره‌های طیبی و اکثریت اسماعیلیان طیبی یمن، از سلیمان ابن حسن (د ۱۰۰۵ق/۱۵۹۷م) که نوه بیست و چهارمین داعی، یوسف ابن سلیمان هندی و نماینده داوود بن عجب شاه در یمن بود و اکنون برای

طیبی در یمن حفظ کرد و جامعه جدیدی که در نیمه دوم قرن ۵ق در غرب هندوستان به وجود آمد، با مرور زمان به جامعه مستعلوی - طیبی، و سپس به داوودی - بهره فعلی تحول یافت. پس از مرگ داعی ذوب در ۵۴۶ق/۱۱۵۱م، ابراهیم بن حسین حامدی (د ۵۵۷ق/۱۱۶۲م) به عنوان دومین داعی مطلق به رهبری دعوت طیبی رسید (دفتری، همانجا). وی رسائل اخوان الصفا را به ادبیات مذهبی اسماعیلیان طیبی یمن وارد کرد و همچنین در زمینه جهان‌شناسی، تلفیق جدیدی از اندیشه‌های حمیدالدین کرمانی - آن‌گونه که در کتابش راحة العقل آورده - با عوامل اسطوره‌ای ارائه داد که از آن پس در مرکز نظام اندیشه‌های مذهبی اسماعیلیان طیبی قرار گرفت (نک: حامدی، ۱۴، ۲۶، جم). اسماعیلیان طیبی در یمن و سپس بهره‌های طیبی در هند، شمار بسیاری از آثار اسماعیلی دوره‌های مختلف در تاریخ اسماعیلیه را حفظ کرده‌اند.

جماعت بهره‌های اسماعیلی گجرات، به پیروی از سیاست صلیحیون یمن، به امامت مستعلی و سپس آمر، معتقد شدند و در افتراق حافظی - طیبی نیز از تشکیلات دعوت طیبی در یمن حمایت کردند. پس از انقراض دولت صلیحی، و حتی قبل از آن، اسماعیلیان طیبی هند، یعنی بهره‌ها تحت نظارت دقیق داعی مطلق و دستگاه مرکزی دعوت طیبی در یمن قرار داشتند (دفتری، 307-299). این وضع تا نیمه دوم قرن ۱۰ق/۱۶م ادامه داشت. طی این دوره، رئیس دعوت طیبی در هند - که او را «والی» می‌نامیدند - از سوی داعی مطلق منصوب می‌گردید. والی نیز همانند داعی مطلق در یمن، در سلسله مراتب تشکیلات دعوت محلی در هند دستیاران و داعیان زیردستی داشت که از جزئیات آن اطلاعات دقیقی در دست نیست. حکمرانان هندو در گجرات متعرض بهره‌های طیبی اسماعیلی نمی‌شدند، زیرا فعالیتهای آنها را برای خود خطرناک نمی‌دیدند. در نتیجه، تا زمان استیلای سلاطین خلجی بر گجرات که در ۶۹۷ق/۱۲۹۸م سلسله حکمرانان هندو بر گجرات را برانداختند، جامعه بهره‌های اسماعیلی در غرب هندوستان پیوسته در حال گسترش بود. طی این دوره، بسیاری از هندوها، به خصوص در کمبی، پاتن، سیدپور، و سپس در احمدآباد - که پایگاه دعوت طیبی در هند شد - مذهب اسماعیلی طیبی را پذیرفتند (همو، 300).

در دوران حکومت مسلمانان بر گجرات، فعالیتهای دعوت طیبی و امور جماعت بهره‌ها در گجرات زیر نظر حکمرانان مسلمان آن منطقه که از سلاطین دهلی متابعت می‌کردند، قرار گرفت. در چنین اوضاع و احوالی بود که بهره‌های اسماعیلی در گجرات ملزم به مراعات تقیه و پذیرش ظاهری مذهب تسنن شدند. با حمله ظفرخان به گجرات در ۷۹۳ق/۱۳۹۱م که بعداً در ۸۱۰ق/۱۴۰۷م سلطنت مستقل گجرات را بنیان نهاد، وضع بهره‌ها وخیم‌تر شد. این اوضاع تا ۹۸۰ق/۱۵۷۲م که گجرات در سلطنت اکبر، جزو امپراتوری مغولان هند شد، همچنان کم و بیش ادامه پیدا کرد. ظفرخان در واقع اولین حکمران گجرات بود که به اشاعه مذهب اهل سنت و سرکوبی شیعیان پرداخت. آزار شیعیان گجرات در زمان نوه و جانشین ظفرخان، احمد شاه اول (۸۱۴ -

گردیدند. در نتیجه، بار دیگر بهره‌های اسماعیلی به اجبار به مذهب اهل سنت گرویدند و به تقیه متوسل گشتند (همو، 307-306). در چنین شرایطی بود که سی و چهارمین داعی مطلق داوودیان، اسماعیل بدرالدین (۱۰۶۵-۱۰۸۵/ق ۱۶۵۵-۱۶۷۴م)، پایگاه دعوت بهره‌های طیبی-داوودی را از احمدآباد به جام‌نگر منتقل کرد (همو، 307). پس از اورنگ زیب، به بهره‌های اسماعیلی بار دیگر اجازه داده شد که آزادانه به زندگی و مراسم عبادی خود بپردازند (همو، 308).

در ایام چهلین داعی، هبة‌الله مؤید فی‌الدین (۱۱۶۸-۱۱۹۳/ق ۱۷۵۴-۱۷۷۹م) - که مقارن با آغاز استیلای بریتانیا بر هندوستان بود - یک جنبش جدایی طلب دیگر در جامعه اسماعیلیان طیبی - داوودی پدید آمد. رهبری این نهضت مخالف با داعی اسماعیل بن عبدالرسول مجدوع، مؤلف فهرست معروف کتب و رسائل اسماعیلی (پونا والا، 204، 205؛ دفتری، 309؛ نک: مجدوع، ۱۰۸-۱۰۹، ۱۱۹) و پسرش هبة‌الله بود که همو بعدها مدعی شد با امام غایب طیبی تماس دارد. این نهضت در اوجین^۲ و جاهای دیگر پیروانی پیدا کرد که به «هبتیه» (بر گرفته از نام هبة‌الله) شهرت یافتند. امروز گروه کوچکی از این فرقه بهره‌های اسماعیلی در اوجین زندگی می‌کنند (میسرا، 41-42).

در دوران چهل و دومین داعی مطلق داوودی، یوسف نجم‌الدین (۱۲۰۰-۱۲۱۳/ق ۱۷۸۶-۱۷۹۸م)، پایگاه دعوت به سورات که در آن زمان در دست بریتانیاییها بود و از این رو، برای اسماعیلیان محل امنی به شمار می‌رفت، منتقل شد (دفتری، 310). داعی بعدی، عبد علی سیف‌الدین (۱۲۱۳-۱۲۳۲/ق ۱۷۹۸-۱۸۱۷م)، در سورات مدرسه‌ای به نام «سینی درس» یا «جامعه سینی» برای تعلیم و تربیت علما و کارگزاران جامعه داوودی تأسیس کرد. این مدرسه از آن زمان تاکنون مرکز تعلیمات عالی مذهبی سنتی برای بهره‌های داوودی بوده است. از زمان عبد علی سیف‌الدین که بریتانیا بر هندوستان استیلای کامل یافت، آزار اسماعیلیان در هند پایان گرفت، اما اختلافات داخلی و نهضت‌های جدایی طلب که بیشتر بر سر جانشینی داعی مطلق و یا مسائل مالی پدید می‌آمد و نیز درگیری با دیگر گروه‌های مسلمان و هندوها در هند، همچنان از ویژگی‌های تاریخ بهره‌های داوودی در عصر جدید بوده است (همانجا).

از ۱۲۳۲ ق مقام داعی مطلق اسماعیلیان طیبی - داوودی در دست فرزندان شیخ جیوانجی اورنگ آبادی باقی مانده، اما جماعت داوودی پیوسته در گیرمنازعات داخلی بوده است؛ به خصوص مشاجراتی که درباره جانشینی چهل و ششمین داعی مطلق، محمد بدرالدین - که به طور ناگهانی در ۱۲۵۶ ق/ ۱۸۴۰م درگذشت - بدون آنکه به نص جلی، یعنی در خطابه‌ای عمومی طبق معمول جانشین خود را تعیین کرده باشد، سبب شکاف عمیقی در جامعه بهره‌های داوودی شد که تاکنون ادامه

خود ادعای جانشینی می‌کرد، حمایت کردند و وی را داعی مطلق خود خواندند (همو، 305-304). این اسماعیلیان طیبی از این پس در یمن و هند با نام سلیمانی شهرت یافتند (برهانپوری، ۲۱۵).

از آن پس، طیبی‌های داوودی و سلیمانی از دو سلسله داعیان مطلق به طور جداگانه پیروی کرده‌اند (برای فهرست‌های این داعیان، نک: دفتری، 555-556). برای هر دو سلسله، مقام داعی مطلق به زودی موروثی گردید، چنان که هر داعی، مانند امامان، با نص داعی پیشین منصوب می‌شد. داعیان مطلق داوودی، پس از انشعاب، به اقامت خود در هند ادامه دادند، ولی پایگاه دعوت سلیمانی در یمن مستقر گردید.

در دوره‌های بعد، بهره‌های طیبی - داوودی عمدتاً به علت آنکه اعتقاد آنان به مرجعیت داعیان سست‌تر می‌شد، در هند دچار انشعابات مختلفی شدند و در انشعاب نخست که در ۱۰۳۴ ق/ ۱۶۲۴م رخ داد، علی ابن ابراهیم، مرجعیت بیست و نهمین داعی داوودی، یعنی عبدالطیب زکی‌الدین (۱۰۳۰-۱۰۴۱ ق/ ۱۶۲۱-۱۶۳۲م) را مردود شناخت و خود مدعی این مقام شد. وی با پیروان معدود خود، از جماعت بهره‌های داوودی جدا شد و گروه جدیدی از بهره‌های طیبی تشکیل داد که به نام خودش به علّیه اشتهار یافتند (همو، 306-305) و داعیانی برای خود برگزیدند (پونا والا، 369-370).

اکنون بهره‌های علّیه جماعت کوچکی در حدود ۸ هزار نفرند که همراه داعی مطلق خود در شهر بارودا در گجرات متمرکز هستند و طیب ضیاء‌الدین بن یوسف نورالدین به عنوان چهل و چهارمین داعی مطلق رهبری آنان را بر عهده دارد.

در ۱۲۰۴ ق/ ۱۷۹۰م، گروه کوچکی از بهره‌های علّیه جدا شدند و به پایان رسیدن دور اسلام را اعلام کردند. آنان همچنین برخی از اعتقادات هندوها، از جمله گناه خوردن گوشت حیوانات را پذیرفتند و به همین سبب، به «ناگوشیه» معروف شدند. بهره‌های ناگوشیه گیاه‌خوار، مانند اعضای فرقه اصلی علّیه، در حاشیه جماعت بهره‌های داوودی زیسته‌اند و اکنون گروه بسیار کمی از آنها باقی مانده‌اند (دفتری، 306).

در این میان، جماعت اصلی بهره‌های داوودی با بهره‌مندی از آزادی مذهبی که امپراتوران مغول و صوبه‌داران یا فرماندارانشان در گجرات به آنها داده بودند، به رهبری داعیان به حیات خود ادامه می‌دادند. اورنگ زیب که از پیروان سرسخت مذهب حنفی بود، تنها فرد سلسله مغولان هند بود که به اقدامات ضدشیعی پرداخت و به اسماعیلیان و دیگر مسلمانان شیعه مذهب در دوران طولانی سلطنت خود (۱۰۶۸-۱۱۱۸ ق/ ۱۶۵۷-۱۷۰۶م) آزار فراوان رسانید. وی همچنین سی و دومین داعی مطلق، قطب خان قطب‌الدین را به الحاد متهم ساخت و سرانجام او را به قتل رسانید. بهره‌های داوودی مقبره او را در احمدآباد به زیارتگاهی تبدیل کرده‌اند (همانجا). در همان حال مساجد بهره‌های اسماعیلی نیز در دست گردانندگان سنی مذهب قرار گرفت و آنان همچنین ملزم به پرداخت مالیات‌های سنگین کیفری

یافته، و منجر به پیدایش نوعی مقاومت دائمی در برابر داعی مطلق شده است (نک: همو، 313-310).

در این میان، در ۱۳۱۵ ق/ ۱۸۹۷ م انشعاب دیگری در جماعت بهره‌های داوودی پدیدار گشت. در آن سال شخصی به نام عبدالحسین جیواجی، در نگپور ادعا کرد که با امام غایب اسماعیلیان طیبی ارتباط دارد و امام او را به عنوان حجت خویش برگزیده که مقامی عالی‌تر از داعی مطلق است. عبدالحسین پیروانی در میان بهره‌های داوودی پیدا کرد که به نام محل اقامتشان در نگپور به «مهدی باغ والاها» شهرت یافتند. بعدها گروه کوچک‌تری از مهدی باغ والاها معتقد شدند که دور کشف در تاریخ اسماعیلیان مستعلوی - طیبی آغاز شده است و از این‌رو، دیگر رعایت فرایض و احکام شرعی الزامی نیست. این بهره‌های اسماعیلی به «اتباع ملک وکیل» یا «آرتالیس والاها» معروف شدند. جماعت بسیار کوچکی از مهدی باغ والاها هنوز در نگپور پایگاه دارند و از رهبران خودشان متابعت می‌کنند (همانجا).

با پنجاه و یکمین داعی مطلق داوودیان، طاهر سیف‌الدین (۱۳۳۳- ۱۳۸۵ ق/ ۱۹۱۵-۱۹۶۵ م) - که دوره رهبری او طولانی‌تر از اسلافش بوده است - فصل جدیدی در تاریخ جماعت داوودیان گشوده شد. در زمان وی، بهره‌های داوودی به جناح سنت‌گرای حامی او، و جناح اصلاح‌طلب و مخالف با او تقسیم شدند. جناح اصلاح‌طلب خواهان تعلیم و تربیت غیردینی، حقوق فردی و نیز اداره نهادهای دعوت داوودی به صورت دموکراتیک بوده‌اند. در دهه ۱۹۶۰ م، گروه‌های اصلاح‌طلب جبهه متحدی به نام «پراگتی مندال» (گروه مترقی) تشکیل دادند؛ ولی طاهر سیف‌الدین با موفقیت، اقتدار مطلق خود را بر امور دینی و غیردینی پیروانش مستولی ساخت و به‌علاوه ادعای معصومیت کرد. وی همچنین افراد خانواده خود را بر تمامی مناصب عالی در سازمان دعوت برگماشت و سیاست‌های خود را، از جمله تکفیر و تحریم، برای کسب اطمینان از اطاعت بدون قید و شرط داوودیان اعمال کرد. رهبر کنونی اسماعیلیان طیبی - داوودی، محمد برهان‌الدین ابن طاهر سیف‌الدین است که در ۱۳۴۴ ش/ ۱۹۶۵ م به عنوان پنجاه و دومین داعی مطلق جانشین پدرش شد (همانجا).

داعی مطلق در صدر تشکیلات دعوت داوودی قرار دارد. داعی که «سیدنا صاحب» خطاب می‌شود، درواقع جانشین امام غایب اسماعیلیان مستعلوی - طیبی به شمار می‌آید. داعی با نص داعی پیشین منصوب می‌گردد و پس از آن معصوم شناخته می‌شود. داعی مطلق با کمک دستیارانی که خود انتخاب می‌کند، بر تمامی شئون جماعت داوودیان ریاست و نظارت مطلق دارد. مقر داعی مطلق در بمبئی موسوم به «الدعوة الهادیة» در محلی است به نام «بدری محل»، ولی پایگاه مرکزی دعوت داوودی در سورات قرار دارد. در هر دو مکان، به خصوص سورات، مجموعه‌های نفیسی از دست‌نوشته‌های اسماعیلی وجود دارد که زیر نظر مستقیم داعی است (همو، 315-313). دستیار اصلی داعی که «مأذون» خوانده می‌شود، از میان خویشان نزدیک او

انتخاب می‌گردد و معمولاً به مقام داعی مطلق می‌رسد. داعی همچنین یک نفر را از میان بستگان خود با عنوان «مکاسیر» انتخاب می‌کند که نقش دستیار اصلی «مأذون» را به عهده می‌گیرد. پس از مأذون و مکاسر، مشایخ قرار دارند که معمولاً ۱۸ نفرند و از میان اعضای دانشمند جماعت بهره‌های داوودی برگزیده می‌شوند و در مراکز عمده داوودی خدمت می‌کنند (همانجا).

مرتبه بعدی در سلسله مراتب دعوت، مقام «عامل» است که از طرف داعی به نزد هر جماعت بهره داوودی که از ۵۰ خانوار بیشتر باشد، گسیل می‌شود. وظیفه اصلی عامل رهبری محلی داوودیان، و اجرای مراسم دینی مختلف آنها، مانند ازدواج، دفن و جز آنهاست. عامل همچنین مسئول جمع‌آوری وجوه مختلف مذهبی و هدایا برای داعی مطلق است. عامل از هر فرد داوودی که به ۱۵ سالگی برسد، برای امامان طیبی و داعیان آنها درباره رعایت «میشاق» بیعت یا «عهد الاولیاء» سوگند اخذ می‌کند. این عهد را بزرگسالان داوودی نیز هر سال در هجدهم ذیحجه، روز عید غدیرخم، تجدید می‌کنند. متن عهدنامه اکنون متضمن وعده اطاعت مطلق از شخص داعی است (همو، 317-316).

بهره‌های داوودی یک نوع زیان‌گجراتی که آکنده از واژه‌های عربی است و به خط عربی نوشته می‌شود، به کار می‌برند. آنان بسیاری از آداب و رسوم هندوها را در مراسم ازدواج و دیگر آیینهای خویش رعایت می‌کنند، ولی به طور کلی جماعت اسماعیلیان داوودی از فقه فاطمی، آن‌گونه که در کتاب دعائم الاسلام قاضی نعمان (د ۳۶۳ ق/ ۹۷۴ م) آمده است، پیروی می‌کنند. این کتاب همواره مرجع فقهی مستند و موثقی برای اسماعیلیان مستعلوی - طیبی بوده است. بهره‌های اسماعیلی امین جی بن جلال (د ۱۰۱۰ ق/ ۱۶۰۲ م)، پسر بیست و پنجمین داعی مطلق، جلال بن حسن (د ۹۷۵ ق/ ۱۵۶۷ م) را پس از قاضی نعمان مرجعی بسیار مهم در امور فقهی خود می‌شمارند (همو، 303).

بهره‌های داوودی انزواگرا هستند و با افراد خارج از جماعت خود ازدواج نمی‌کنند و ادبیات خود را نیز در نهان حفظ می‌کنند و حتی خود داوودیان بدون اجازه داعی مطلق نمی‌توانند به کار تحقیق در متون اسماعیلی که در کتابخانه‌های شخصی و یا کتابخانه مرکزی جماعت داوودی در سورات محفوظ است، پردازند (همانجا).

از شمار بهره‌های اسماعیلی که عمدتاً از داوودیان تشکیل شده‌اند و اکثریت عظیم جمعیت بهره‌های دنیا را شامل می‌شوند، اطلاعات دقیقی در دست نیست، زیرا دولت هند در سرشماریهای آن کشور، آمار جداگانه برای جوامع مسلمان ذکر نمی‌کند. به موجب آخرین تخمینها، جمعیت بهره‌های دنیا در اواخر سده ۲۰ حدود ۹۰۰ هزار تن بوده است که بیشتر آنان در هندوستان زندگی می‌کنند. بیش از نیمی از بهره‌های

ادیبات اسماعیلی تا زمان انشعاب داوودی-سلیمانی مورد قبول هر دو شاخه داوودی و سلیمانی بوده است، ولی پس از آن هریک ادبیات جداگانه‌ای پدید آوردند (همو، 322-323؛ پوناوالا، 184-250) که عمدتاً ماهیت جدلی دارد و در رد یا پذیرش ادعاهای داعیان معارض است.

مأخذ: اسماعیل جی، حسن علی، اخبار الدعاة الاکرمین، راجکوت، ۱۹۳۷م؛ برهانپوری، سلیمان جی، متنزع الاخبار فی اخبار الدعاة الاخیار، به کوشش سائر فاروق طرابلسی، بیروت، ۱۹۹۹م؛ حامدی، ابراهیم، کنزالولد، به کوشش مصطفی غالب، ویسبادن، ۱۳۹۱ق/۱۹۷۱م؛ السجلات المستصریة، به کوشش عبدالمنعم ماجد، قاهره، ۱۹۵۴م؛ مجدوع، اسماعیل، فهرسة الکب والرسائل، به کوشش علینقی مشزوی، تهران، ۱۳۴۴ش؛ همدانی، حسین، الصلیحون و الحركة القاطیة فی الیسن، به کوشش حسن سلیمان محمود جهنی، قاهره، ۱۹۵۵م؛ نیز:

«Bohra Muslims of India», Commission Magazine on International Christian Missions, http://archives.teonline.org/news/lastfrontier/Bohra_Muslims.html; Daftary, F., *The Ismā'īlīs: Their History and Doctrines*, Cambridge, 1990; Misra, S. C., *Muslim Communities in Gujarat*, Bombay, 1964; Poonawala, I.K., *Biobibliography of Ismā'īlī Literature*, California, 1977.

فرهاد دفتری

بهزاد، حسین (۱۲۷۳-۱۳۴۷ش/۱۸۹۴-۱۹۶۸م)، نگارگر نامدار ایرانی، وی در تهران به دنیا آمد. پدرش، میرزا فضل الله اصفهانی در قلمدان سازی و به ویژه در نقاشی آبرنگ شهرتی داشت (ناصری پور، ۱۴، ۳۲؛ میربها، ۷۳). وی تحصیلات خود را در مدرسه «شرف مظفر» آغاز کرد، اما به سبب علاقه به نقاشی پس از چند ماه تحصیل را رها کرد. پدرش او را در مجمع الصنائع نزد آقا ملاعلی قلمدان ساز اصفهانی به شاگردی گذاشت. پس از آنکه پدر و استادش به فاصله کوتاهی در ویسای سال ۱۳۲۱ق درگذشتند، حسین نزد حسن آقا پیکرنگار شاگرد برگزیده ملاعلی، به شاگردی ادامه داد (ناصری پور، ۱۵؛ همایی، تاریخ، ۳۳۸).

بهزاد از ۱۸ سالگی به طور مستقل ابتدا در سرای حاج رحیم خان و سپس در بالاخانه شمس العماره به کار پرداخت (میربها، ۸۶-۸۷؛ ناصری پور، ۱۷)، مدتی نیز در کارگاه میناسازی غلامحسین خان میناسازی مشغول کار بود (میربها، ۸۷، ۸۹). در ۱۲۹۷ش به قصد سفر اروپا از ایران خارج شد، ولی پس از ۷۰ روز از تفلیس به تهران بازگشت (همو، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۶).

وی در ۱۳۱۴ش به پاریس رفت و در مدت ۱۳ ماه که آنجا اقامت داشت، آثار موزه‌های لوور، گیمه و ورسای را مورد مطالعه قرار داد و به طراحی از آنها پرداخت (همو، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۲؛ ناصری پور، ۲۳-۲۴). او در ۱۳۲۵ش در موزه ایران باستان استخدام شد و سپس به اداره کل هنرهای زیبا رفت. همچنین در هنرستان هنرهای زیبای تهران تدریس کرد (میربها، ۱۳۸-۱۳۹؛ مطیع، ۲۳۹؛ دانشور، ۱۶). در ۱۳۴۷ش عنوان استادی افتخاری هنر از طرف شورای استادان هنرکده هنرهای تزئینی به بهزاد اعطا شد («استاد...»، ۴).

بهزاد زندگانی پر مشقتی داشت؛ در سالهای فعالیت خود همواره

داوودی هند - که کل جمعیت آنها در حدود ۸۰۰ هزار تن است - در گجرات زندگی می‌کنند و بقیه بیشتر در شهر بمبئی و نقاط مرکزی هند متمرکزند. خارج از هند، بیشترین شمار بهره‌های اسماعیلی - داوودی در پاکستان ساکن‌اند که جمعیتشان حدود ۳۰ هزار تن است و عمدتاً در شهر کراچی مقیم‌اند (همو، 314-310). بزرگ‌ترین اجتماع بهره‌های اسماعیلی، بعد از هند و پاکستان، در کشورهای شرق آفریقا است. در اواخر سده ۲۰م، حدود ۲۰ هزار تن بهره اسماعیلی - که تقریباً اکثریت قریب به اتفاق آنها متعلق به جماعت داوودی بودند - در کشورهای تانزانیا، کنیا و اوگاندا مقیم بودند. بهره‌های اسماعیلی، همراه خوجه‌های اسماعیلی متعلق به شاخه نزاریه، از جمله اولین گروههای آسیایی بودند که از اوایل سده ۱۳ق/۱۹م به شرق آفریقا مهاجرت کردند (همو، 314).

جمعیت بهره‌های سلیمانی از حدود ۵ هزار تن تجاوز نمی‌کند که عمدتاً در بمبئی، بارودا، احمدآباد و حیدرآباد متمرکزند؛ حال آنکه شمار اسماعیلیان طیبی - سلیمانی در یمن حدود ۷۰ هزار تن است. داعیان مطلق سلیمانیه که متعلق به خاندان مکرمی از قبیله یمن بنویام بوده‌اند، مقر خود را تا نیمه دوم سده ۲۰م در نجران در شمال شرق یمن حفظ کرده‌اند. این قسمت که در جنوب عربستان قرار دارد، در دهه ۱۹۳۰م جزو قلمرو کشور عربستان سعودی گردید. داعی مطلق کنونی سلیمانیه، شرفی حسین بن حسن مکرمی، در ۱۳۵۵ش/۱۹۷۶م به عنوان چهل و نهمین داعی مطلق به رهبری اسماعیلیان طیبی - سلیمانی رسید (همو، 21).

اسماعیلیان سلیمانی سازمان دعوت ساده‌ای دارند. در این تشکیلات، داعی مطلق با کمک چند دستیار، ۳ جزیره یا منطقه (یمن، هند و پاکستان) را تحت نظارت دارد. داعی در هند دارای نماینده‌ای است که وی را «منصوب» خطاب می‌کنند. منصوب در بارودا که پایگاه دعوت سلیمانی در هند است، اقامت دارد و در آنجا کتابخانه‌ای نیز از آثار خطی اسماعیلی موجود است. منصوب همچنین بر جامعه کوچکی از بهره‌های سلیمانی در پاکستان نیز نظارت می‌کند. در هند و پاکستان زبان رسمی دعوت سلیمانی اردو، زبان مشترک اکثریت مسلمانان شبه قاره هند است، ولی در مکاتبات بین بهره‌های سلیمانی و داعی مطلق آنها در یمن و عربستان سعودی عربی به کار می‌رود. بهره‌های سلیمانی برخلاف داوودی‌بان، از هر گونه نفاق و انشعاب دوری جسته‌اند. به هر حال، بهره‌های سلیمانی علاوه بر اذیت و آزار حکمرانان سنی مذهب، با مخاصمت بسیار بزرگ‌تر بهره‌های داوودی نیز مواجه بوده‌اند (همو، 322-321).

در حال حاضر بهره‌های سلیمانی گروه مترقی کوچکی را تشکیل می‌دهند که برخلاف بهره‌های داوودی، با تغییرات اجتماعی و آموزش و پرورش مدنی موافقت داشته‌اند و برخلاف بهره‌های داوودی هماهنگی بیشتری با دیگر مسلمانان از جهت زبان، لباس و آداب اجتماعی پیدا کرده‌اند.